

مهاجرت ارامنه دانشناکسیون به ایران و تأثیر آن بر روابط ایران و شوروی

بعد از فروپاشی روسیه تزاری و شکل‌گیری حکومت کمونیستی و به دنبال آن، سیطره و تسلط بلشویک‌ها در قفقاز و آسیای میانه، چند هزار روس و مسلمان قفقازی، ارمنی و معدودی گرجی به ایران پناهنده شدند. مرزهای ایران در خراسان و آذربایجان، سال‌ها به روی این پناهندگان باز بود و بعضی از این پناهندگان در ایران اقامت کردند و بخشی از آنها برای کسب امکان زندگی بهتر، به سایر کشورها رفتند. دولت ایران به دلیل مسائل انسانی - با وجود اینکه خود از یک جنگ پانزده ساله بین‌المللی و نابسامانی داخلی خارج شده بود و از توانایی و بضاعت مالی و اقتصادی ضعیفی برخوردار بود - آنان را پذیرفت و در حد مقدور به سامان‌دهی زندگی روزمره آنان کمک کرد.

اما حضور این مهاجرین که بیشتر از مخالفان نظام شوروی بودند، تبعات پرتنش را بین ایران و اتحاد شوروی به همراه آورد. در میان این پناهندگان، تعداد زیادی ارمنی بودند که از یک سو دچار اختلافات داخلی و از سوی دیگر در حال درگیری با بلشویک‌ها بودند. این نوشتار می‌کوشد با توجه به اسناد وزارت امور خارجه ایران، از راه‌های ورود و استقرار مهاجران ارمنی به ایران، رقابت‌های داخلی بین آنان از جمله رقابت میان هنجاک‌ها و دانشناک‌ها، دخالت بلشویک‌ها در امور آنان و چالش‌هایی که به خاطر حضور و فعالیت‌های آنان در ایران، در روابط ایران و شوروی به وجود آمد، توصیفی ارائه دهد.

با اعلام استقرار نظام شوروی در ارمنستان در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ / ۸ آذر ۱۲۹۹ در شهر «ایجوان» و توافق «بوریس لگران» به نمایندگی از بلشویک‌ها و «دروو تترتیان» به نمایندگی از جمهوری ارمنستان در ۲ دسامبر ۱۹۲۰ / ۱۱ آذر ۱۲۹۹،^(۱) در کمتر از یک ماه، اخبار ورود دسته‌های چند صد نفری ارامنه به تبریز و عزیمت عده‌ای از آنها به قزوین، همدان، تهران و ... در مطبوعات ایران منتشر شد.^(۲) با ورود آنان به ایران، برای حل و فصل مشکلات معیشتی ایشان، «پرنس ارقوتیان»، وزیرمختار جمهوری سابق ارمنستان، کوشش‌ها و اقداماتی را از جمله درخواست از جامعه ارامنه ایران برای کمک به آنان، انجام داد. ارقوتیان به نقاط مختلفی که ارامنه ایران زندگی می‌کردند، رفت و از آنان برای مهاجرین کمک مالی دریافت کرد. برای مثال: «در همدان برای اعانت به مهاجرین ارامنه و مصارف لازمه و خیریه دیگر، درصدد جلب اعانه از ارامنه همدان | برآمده و به طور مسموع، قریب پانزده هزار تومان اعانه جمع‌آوری نمود...».^(۳)

با استقرار و تثبیت حاکمیت بلشویک‌ها در ارمنستان، دامنه فشار بر ارامنه چنان بالا گرفت که منجر به قیام ارامنه بر ضد بلشویک‌ها و سرکوب آنان در ۱۸ فوریه ۱۹۲۱ شد که در نتیجه آن، پناهندگان بیشتری به ایران رو آوردند.^(۴) در بین پناهندگان، علاوه بر مردم عادی، تعداد زیادی از نخبگان سیاسی و نظامی و دولتمردان سابق ارمنستان حضور داشتند که حضور آنها در تبریز باعث شد دولت شوروی فشار زیادی را برای بازگرداندن و یا اخراج آنان از آذربایجان ایران وارد آورد. با رایزنی‌هایی که بین ایران و شوروی درباره این پناهندگان صورت گرفت و با تأمین دولت شوروی، تعداد زیادی از این پناهندگان و به‌ویژه شهروندان ساده ارمنی که به دلیل جنگ به ایران آمده بودند، به ارمنستان بازگشتند و این امر باعث شد که مقداری از تنش بین ایران و شوروی کاسته شود،^(۵) اما به نظر می‌رسد تعدادی در حدود چهار تا پنج هزار نفر نیز در ایران ماندگار شدند^(۶) که این خود زمینه‌ای برای تنش‌های آتی گردید. سفارت شوروی با ارسال یادداشت‌های رسمی به وزارت خارجه ایران کوشید با ارائه اطلاعاتی که بیشتر بزرگ‌نمایی فعالیت معمولی پناهندگان ارمنی بود، دولت ایران را زیر فشار قرار دهد. آنان انتظار همکاری دولت ایران را مطابق با نیت خودشان داشتند و از اینکه دولت ایران به خواست‌ها و دخالت‌های آنان تمکین نمی‌کرد، ناراضی بودند.

در ۲۲ بهمن ۱۳۰۰ / ۱۱ فوریه ۱۹۲۲، وزیرمختار شوروی در این باره به وزارت خارجه

ایران نوشت: «... دوستدار ناچار است تعجب خود را راجع به این مسئله، خیلی روشن [بنویسد] که تاکنون چندین ماه است بی‌حاصلانه مابین ما، تعاطی و تبادل افکار می‌شود...» (۷) آنان چنین بیان می‌کردند که حضور ارامنه در تبریز، علاوه بر خطر بالقوه حمله‌های نظامی به ارمنستان، از جنبه‌های تبلیغاتی و تحریک‌کننده هم برخوردار است و این می‌تواند امنیت اتحاد شوروی را به خطر اندازد. وزیرمختار شوروی به وزارت خارجه ایران چنین نوشت: «... اخیراً تبلیغات دانشناک‌ها جنبه ادبی به خود گرفته و کتابچه‌ای [را] به طور مخفی برای تهیج، به طبع می‌رسانند...» (۸).

وی همچنین اطلاعاتی از تشکیلات نظامی ارامنه و هسته‌های چریکی آنان ارائه داد که به نظر می‌رسد مبتنی بر واقعیت نبوده و جز برای زیرفشار قرار دادن دولت ایران، جنبه دیگری نداشت. نگرانی وزیرمختار شوروی، از تبلیغات ضد شوروی دانشکسیون و ارائه تصویری خشن از نظام بلشویکی ناشی می‌شد. وی در این باره نوشت: «... اوایل فوریه [۱۹۲۱] دانشکسیون کتابچه‌ای را در طهران با سه طغرا کاغذ «ژنرال نژدیه» که در آنها به طور موحش و وحشتناکی ظهور حکومت شوروی در ارمنستان را تشریح نموده، به طبع رسانیده‌اند...» (۹). شوروی‌ها در نامه‌های اعتراض آمیز خود ادعا می‌کردند که ارامنه مهاجر در تبریز و تهران، در مطبوعات متعدد خود، می‌کوشند چهره اتحاد شوروی را لکه‌دار کنند. وزیرمختار با مقایسه قیام «لاهوئی خان» در تبریز، با قیام ارامنه دانشکسیون بر ضد دولت بلشویکی، به دولت ایران گوشزد کرد: همان طور که اتحاد شوروی، لاهوئی خان و گروهش را پس از پناهندگی به خاک شوروی، خلع سلاح و تحت کنترل و مراقبت گرفت، دولت ایران هم باید مهاجرین ارامنه را تحت کنترل درآورده و از نواحی مرزی آذربایجان اخراج کند. (۱۰)

البته این گونه اظهارات فقط به ارامنه مستقر در آذربایجان محدود نبود. در ۶ خرداد ۱۳۰۱ / ۲۷ مه ۱۹۲۲، کنسول شوروی در رشت اظهار داشت که: «... چند نفر ارمنی تروریست به رشت آمده، پنهان هستند، اقدام در دستگیری آنها بنمائید...» (۱۱) نظمیۀ رشت به سرعت تحقیق و بازرسی نمود و شواهدی بر راستی گفتار کنسول شوروی نیافت. کنسول نامبرده در ملاقات بعدی با «وئوق السلطنه»، حاکم گیلان، با توجه به نادرستی اظهاراتش و برای رفع و رجوع آن، اظهار داشت: «... تروریست‌های مذکور چون دیدند نظمیۀ تعقیب کرد، از رشت خارج

شدند...» (۱۲).

هر بار که دولت ایران برای عادی‌سازی روابط دوجانبه با شوروی، اقدامات لازم را برای کنترل ارامنه داشناکسیون به عمل می‌آورد و برای تأمین نظر دولت بلشویکی می‌کوشید، (۱۳) شوروی‌ها یک گام جلوتر گذاشته و درخواست‌های دیگری را مطرح می‌کردند. این بار سفارت شوروی ارمنستان از لا به لای روزنامه‌های ارامنه داشناکسیون، نکاتی را برای بهانه‌گیری دوباره مطرح کرد. برای مثال: رؤسای سابق جمهوری ارمنستان، آقایان «ترهاکوپیان» و «میناخوریان» به عنوان رؤسای مهاجرین مقیم تبریز، برای قحطی‌زدگان ارمنی فعالیت و نامه‌نگاری می‌کردند. سفارت شوروی ارمنستان، به دولت ایران اعتراض کرد که دولت ایران علاوه بر سفارت بلشویکی ارمنستان، یک نمایندگی سیاسی از جمهوری سابق ارمنستان را هم به رسمیت شناخته است، زیرا حکومت سابق ارمنستان، به عنوان دولت تبعیدی، در تبریز مشغول فعالیت است. (۱۴) وزارت امور خارجه ایران برای تحقیق و مشخص شدن وضعیت رؤسای سابق جمهوری ارمنستان، از فرمانده نظامی آذربایجان در این باره استعلام کرد. فرمانده نظامی اعلام نمود که: «ارامنه داشناکسیون از قدیم‌الایام برای امور خودشان کمیته داشتند و رؤسای جمهوری سابق ارمنستان در تبریز، دولت در تبعید ندارند و فقط هفته‌ای یک جلسه‌گردهمایی برای بررسی تاریخ انقلابات و تحولات ارمنستان دارند.» (۱۵)

سفارت شوروی در پاسخ به این گزارش، به وزارت خارجه ایران اعلام کرد که در نشریه «آسپارز» که متعلق به ارامنه کالیفرنیای آمریکاست، بیانه‌هایی به نام جمهوری ارمنستان به امضای ترهاکوپیان و میناخوریان منتشر می‌شود و از آنجایی که دول آمریکا و اروپا هنوز آنان را به عنوان رؤسای جمهوری ارمنستان به رسمیت می‌شناسند و دولت جمهوری شوروی ارمنستان برای آنان رسمیت ندارد، حضور آنان در تبریز - از آنجایی که ایران، دولت شوروی را به رسمیت شناخته و قرارداد مودت‌آمیز بسته است - تعارض دارد. بنابر نظر سفارت شوروی، حضور رؤسای سابق جمهوری ارمنستان در تبریز - از آنجایی که احتمالاً با وابسته‌های خود در ارمنستان ارتباط دارند و به دلیل اینکه امنیت جمهوری شوروی ارمنستان را تهدید می‌کنند - با ماده پنج قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی هم‌خوانی نداشته و آنها می‌بایست اخراج شوند. (۱۶)

وزارت امور خارجه ایران همچنین از کارگزاری وزارت خارجه و استانداری آذربایجان در

این باره استعلام کرد. کارگزاری، اوضاع مهاجرین و حتی رؤسای آنان را اسفبار توصیف کرده و اعلام نمود که به دلیل فقر و بی‌چیزی، ارامنه دانشناکسیون توانایی تشکیلاتی ندارند. (۱۷) والی آذربایجان هم دوباره تأکید کرد که ارمنی‌ها جز آنکه هفته‌ای یک جلسه به عنوان تدوین تاریخ انقلابات ارمنستان، جمع شده و نظمیۀ کاملاً اوضاع را تحت نظارت دارد، فعالیتی ندارند و هیچ‌گونه شواهد و قراینی مبنی بر ایجاد دولتی در تبعید، موجود نیست. در این نامه، لیستی هفده نفره از اعضای دولت سابق ارمنستان در تبریز به وزارت خارجه ارائه شده و درباره هر کدام، در یک جمله کوتاه، اظهار نظر شده است. (۱۸) با خروج چهره‌های نظامی مانند «روین ترمیناسیان» و «گارگین نژده» از ایران، (۱۹) فشار روس‌ها کمتر شد، اما بعد از مدتی به شکلی دیگر ادامه یافت.

دخالت در امور داخلی

دولت شوروی پس از خروج رؤسای ارامنه مهاجر از ایران و بازگشت بیشتر مهاجران به ارمنستان، به بهانه فعالیت و اقدامات ضدشوروی دانشناکسیون‌های مهاجر، به امور داخلی ارامنه دخالت کرده و بر اظهارات بی‌اساس خود، همچنان ادامه داد. سفارت شوروی با تأکید به بیانیه‌های منتشره رؤسای جمهوری سابق ارمنستان در برخی از نشریات اروپا و آمریکا به عنوان یک فعالیت سیاسی، در ادعایی جدید، اعلام کرد: «... ایالت نظامی آذربایجان، رسماً از حزب مزبور [دانشناکسیون] حمایت نموده و در تمام مجالس و جشن‌های آنها حضور به هم می‌رساند و از دادن وجوه اعانه عمده به حزب مزبور خودداری ننموده [...] ضمناً به حزب دیگر ارامنه، موسوم به «هنچاک» که با حزب دانشناکسیون کشمکش دارند، فشار وارد می‌آورند». (۲۰) کارگزاری وزارت امور خارجه در تبریز برای پاسخگویی به سفارت شوروی، از نظمیۀ تبریز استعلام نمود. نظمیۀ در گزارشی تحقیقی از اوضاع داخلی ارامنه مهاجر دانشناکسیون اعلام کرد که آنان از یک سال قبل، یعنی سال ۱۳۰۱ / ۱۹۲۳، به دو گروه راست و چپ تقسیم شده‌اند. گروه چپ معتقد است که باید با دولت شوروی مصالحه نمود. گروه راست اعتقادی به این ایده نداشته و معتقد است که باید به مبارزه ادامه داد. تعدادی از دانشناکسیون‌های چپ به بلشویک‌ها ملحق شده و به ایروان بازگشتند و تعدادی از آنان که همچنان حضور دارند، از سوی دانشناکسیون‌های راست محاکمه و از حزب اخراج شدند. نظمیۀ،

تعداد ارامنه مهاجر دانشناکسیون را سیصد نفر ذکر کرده که دویست و پنجاه نفر آنان برای بازگشت به ایروان، دو نفر نماینده به مسکو اعزام کرده‌اند تا مقدمات بازگشت‌شان را مهیا کنند. «پنجاه نفر باقی مانده است. ارامنه مهاجر دانشناکسیون از جناح راست در تبریز هستند و فعالیتی نداشته و نظمی برای جلوگیری از بهانه‌گیری‌های شوروی‌ها، حتی اجازه انتشار نشریه را به آنها ندادند. نظمی اعتقاد دارد که انتشار مقالات و بیانیه‌های آنان در نشریات خارجه، به همین دلیل است که آنها نمی‌تواند فعالیتی قلمی در ایران داشته باشند» (۲۱).

فرمانده نظامی آذربایجان، «سرلشگر اسماعیل امیرفضلی» درباره ادعای روس‌ها مبنی بر کمک مالی به ارامنه نوشت که «[من] در جلسه‌ای جهت اهدای تصدیق‌نامه به سی و دو نفر از شاگردان مدرسه ارامنه تبریز که تبعه ایران هستند، شرکت کرده و برای تشویق و ترقی مدرسه - مانند دیگر مسئولین - مبلغ دویست تومان کمک مالی نموده و این مساعدت به اتباع و مدارس ایرانی است و این موضوع نمی‌تواند مورد سوءظن سفارت شوروی قرار گیرد» (۲۲).

سفارت شوروی هر از گاهی چند ادعایی را مطرح کرده و به مرور به بهانه حفظ امنیت شوروی، به تشدید درگیری‌های ارامنه مهاجر دانشناکسیون و هنجاک پرداخت و با حمایت از هنجاک‌ها، به این اختلافات دامن زد. نظمی تبریز در گزارشی به نظمی کل کشور در این باره نوشت: «... به واسطه مناسباتی که هنجاق‌ها با قونسولگری دولت شوروی روس دارند، اکثر اتباع ارامنه دولت مزبور نیز داخل جمعیت فرقه هنجاق‌ها شده و به موجب راپرت واصله بعضی از اتباع دولت شوروی روس و اعضاء فرقه مزبور، ساعی و جاهد بوده‌اند که «الکساندر وارتانیان» را به سمت نمایندگی دوره پنجم مجلس مقدس شورای ملی ... انتخاب نمایند...» (۲۳).

حمایت شوروی از کاندیدای هنجاک‌ها باعث تشدید درگیری بین ارامنه شد. بدین دلیل، نظمی تبریز برای حفظ امنیت، وارد عمل شد و مسببین را بازداشت نمود و به دادگاه سپرد. سرکنسولگری شوروی در تبریز، در نامه‌ای به نظمی، نسبت به «... حرکات بعضی از ارامنه تبریز نسبت به بعضی از اتباع دولت شوروی روس ... شکایت نموده...» (۲۴) وزارت خارجه در گزارشی به وزارت خارجه اعلام کرد که «قونسولگری دولت شوروی، علناً در امور انتخابات شهر تبریز دخالت کرده و تلاش دارد که الکساندر وارتانیان، عضو فرقه هنجاک که با کنسولگری شوروی ارتباط دارد، انتخاب شود».

تجارخانه‌های شوروی، تجار ارمنی را که در تبریز و مراغه با آنها داد و ستد داشتند، زیر فشار قرار دادند که اگر در انتخاب وارتانیان به نمایندگی مجلس، مساعدت نکنند، از ورود کالاهای آنان به روسیه جلوگیری خواهند کرد.^(۲۵) این اعمال مداخله‌جویانه شوروی‌ها باعث شد که «سهراب‌خان ساگینیان»، کاندیدای دانشناکسیون، در نامه‌ای به وزارت داخله، از این اعمال نفوذ کنسول شوروی شکایت کرده و اظهار کند: «... بیم آن می‌رود که این اوضاع، اول تولید نزاع نماید و دوم اداره انتخاب‌کنندگان را فاسد کند...» و خواستار آن شد که «... هر چه زودتر از این تشبثات جلوگیری شود...».^(۲۶)

تداوم دخالت‌ها، منجر به درگیری شد؛ سه تن از اتباع شوروی به نام‌های «الکساندریان»، «بابایان» و «بارخوداروف» مورد حمله قرار گرفتند و «اسلاوتسکی»، کنسول شوروی، در نامه‌ای به اداره نظمیہ اعلام کرد: «... داشناق‌ها در این چند روزه اخیر، نظر به اغماض علنی بعضی از مأمورین دولت علیّه، بدون هیچ‌گونه مؤاخذه، شروع به کتک‌کاری اتباع شوروی نموده‌اند. از همین قبیل است کتک‌کاری‌هایی که در حق الکساندریان و بابایان و بارخوداروف مرتکب شده‌اند. آژان‌ها که در این موقع شاهد قضیه بوده‌اند، نه اینکه از این حرکات داشناق‌ها جلوگیری نکرده‌اند، حتی الکساندریان و بارخوداروف کتک‌خورده را نیز توقیف کرده بودند...»^(۲۷) کنسول شوروی در پایان به ضرب و شتم آنان اعتراض کرد و خواستار تنبیه مقصران شد.^(۲۸) نظمیہ تبریز در برابر این ادعای کنسول شوروی، اعلام کرد که الکساندریان در مورخه ۱۸ بهمن ۱۳۰۲ / ۸ فوریه ۱۹۲۴ در کلیسای ارامنه، به مذهب مسیحی توهین [نموده] و این مسئله باعث خشم ارامنه شده و به همین دلیل، الکساندریان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است و نظمیہ تبریز ارامنه را ساکت و الکساندریان را بازداشت نموده است. نظمیہ در ادامه گزارش نوشت: «... در، موقعی که مطابق معمول، جیب‌های مشارالیه [الکساندریان] را تفتیش می‌کنند، اوراقی به دست آمده که تبلیغات مشارالیه را ثابت می‌کند؛ چنانچه خود الکساندریان در ضمن تحقیقات به تقصیر خود معترف [...] و مطابق تقاضای ژنرال قونسولگری دولت شوروی روس که از آن مقام محترم نموده بودند، از تقصیر مشارالیه صرف‌نظر [شده] و مرخص گردیده است...».^(۲۹) با اینکه الکساندریان به نظمیہ تعهد سپرده بود که از رفتار مداخله‌جویان پرهیز کند، اما با دستیاری دو اتباع دیگر شوروی، «کورکین بارخوداروف» و «هایق بابایان»، جلساتی را به نفع الکساندر وارتانیان، کاندیدای مجلس پنجم، برگزار کردند. نظمیہ این تحرکات الکساندریان را به اطلاع

سرکنسول دولت شوروی در تبریز رسانده و سرکنسول «... اطمینان دادند که از رفتار اتباع دولت شوروی که در امور انتخابات دخالت می‌کند، جلوگیری خواهند نمود...»^(۳۰) اما آنان به تعهد خود عمل نکردند «... و با اینکه مداخله آنها در امور انتخابات، خارج از وظیفه و قانوناً از انتخاب وکیل ارامنه ایران ممنوع بوده‌اند، جداً اقدام و داخل عملیات شده‌اند، که مداخله آنها باعث تولید کدورت بین ارامنه گردیده و [ارامنه تبریز] اعمال آنها را تعقیب و در نتیجه بین چند نفر از آنها نزاع واقع شده...»^(۳۱) نظمی از وزارت خارجه درخواست نمود که از کنسول شوروی در تبریز خواسته شود که رفتار بارخوداروف، الکساندریان و بابایان را کنترل نمایند.^(۳۲)

رفتارهای مداخله‌جویانه و خارج از عرف دیپلماتیک شوروی‌ها نسبت به ایران، وزارت خارجه ایران را به این نتیجه رسانده بود که روس‌ها «... نسبت به فرقه‌اشناک در ایران خصوصاً در آذربایجان، نظریه مخصوص داشته و می‌خواهند در تحت عناوین مختلفه، آنها را به وسیله دولت ایران در تحت تضییق و فشار گذارده و بالنتیجه به قبول نظریات خود وادار نمایند...»^(۳۳) اما مسئولان ایرانی در برابر این همه دخالت، تنها به اخطار و هشدار اکتفا می‌کردند، زیرا ایران به دلیل ضعف، برای جلوگیری از رفتارهای مداخله‌جویانه و خارج از عرف دیپلماتیک شوروی‌ها، از ابزارهای لازم برخوردار نبود؛ در حالی که روس‌ها می‌توانستند با وارد آوردن فشارهای شدید اقتصادی و ایجاد موانع تجاری برای تجار ایرانی، اقتصاد نواحی شمالی ایران را به نابودی کشانند.

وزارت امورخارجه ایران، بیش از پنج سال کوشید که برای حل و فصل ماجرا و کاهش نگرانی‌های شوروی‌ها از راه مصالحه، اقدام کند، اما در پایان، مسائلی چون دخالت شوروی در انتخابات نمایندگی مجلس ارامنه ایران و یا دسته‌بندی داخلی ارامنه ایران - که به امور داخلی ایران مربوط می‌شد - وزارت خارجه ایران را به این نتیجه رساند که دیگر به خواسته‌های اتحاد شوروی تمکین نکند: «... وزارت خارجه پس از اجرای تحقیقات، اظهارات نمایندگی مختار را رد [کرده] و خاطر نشان ساخته است که نه تنها ارامنه ایران، بلکه مهاجرین روسیه، همه در اظهار عقیده خود، کتباً و شفاهاً آزاد می‌باشند.»^(۳۴)

وزارت خارجه در نامه خود به کارگزار خارجه آذربایجان در تبریز، درباره آزادی عمل ارامنه مهاجر به این تعهد استناد کرد که: «... مطابق مراسله «رتشتین»، نماینده مختار سابق دولت شوروی در ایران - که ضمیمه عهدنامه دولتین شده است - این قبیل اشخاص [یعنی مهاجرین]،

می‌توانند مبارزه ادبی و شفاهی با رژیم روسیه بنماید و فقط دولت ایران عهداً مکلف می‌باشد از تجهیزات آنها که به قصد حمله به روسیه یا جماهیر شوروی باشد، جلوگیری نماید...» (۳۵)

اما شوروی قصد داشت با بهانه‌گیری و فشار بر دولت ایران، با دست دولت ایران، دانشکسیون‌ها را زیر فشار قرار دهد. دولت ایران در جواب تقاضای شوروی‌ها دایر بر انحلال حزب دانشکسیون، آن را مداخله در امور داخلی ایران دانسته و با استناد به فصل چهارم قرارداد ۱۹۲۱، به مداخله شوروی اعتراض کرد و وزارت خارجه به کارگزار خارجه آذربایجان دستور داد که در برابر ادعاها و نامه‌های کنسول شوروی در تبریز «... چون اظهارات سابقه را تکرار نموده‌اند، بدیهی است به همان جواب‌های اولیه که بر طبق راپورت نظمیّه داده‌اید، اشاره نموده، ضمناً علاوه نمایید که مطابق فصل پنجم عهدنامه و مراسله رشتین، حق این‌گونه اظهارات را ندارند.» (۳۶)

وزارت خارجه ایران ادعای کنسول شوروی در تبریز را، مبنی بر حمایت مأموران نظمیّه از دانشکسیون در ماجرای ضرب و شتم سه نفر اتباع شوروی، رد کرد و نسبت به دخالت سرکنسولگری در امر انتخابات و تبلیغات و تحریک جوانان ارامنه، اعتراض و نارضایتی خود را نسبت به عملیات الکساندریان، بابایان، بارخودارف اظهار نمود و خواستار جلوگیری از ادامه اقدامات آنان شد. وزارت خارجه از نظمیّه خواست که مراقب و مواظب حرکات آنها بوده و از اعمال خلاف قانون آنان جلوگیری کند. (۳۷)

و اما سرانجام، نیاز اقتصادی نواحی شمالی ایران به راه ارتباطی قفقاز و روسیه، وابستگی بخش زیادی از تجارت و کشاورزی مناطق شمالی ایران به آسیای میانه و قفقاز و تجاوزهای مداوم مرزی شوروی‌ها، ایران را وادار نمود که برای بستن یک قرارداد تجاری که روس‌ها، سال‌ها آن را به تعویق انداخته بودند، به ناچار جلوی فعالیت هرگونه تشکل سیاسی یا اجتماعی مهاجرین روس و به‌ویژه دانشکسیون را بگیرد. البته فضای سیاسی و اجتماعی ایران هم رو به انسداد می‌رفت و احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی ایران، به دلیل فشار استبداد، تعطیل شده بودند و ادعاهای مداخله‌جویانه روس‌ها نیز همچنان ادامه داشت.*

* این مقاله در همایش «محدودیت و جایجایی اقوام در قفقاز (۱۹۵۱-۱۹۲۰)» به تاریخ ۵ و ۴ خرداد ۱۳۸۲، ارائه

پی نوشت‌ها

۱. ریچارد جی. هوانسیان، *ارمنستان در آستانه قرن بیستم*، تهران: مؤسسه تحقیق و ترجمه هور، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵-۹.
۲. *روزنامه ایران*، شماره‌های ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۱۰، ۸۱۴، ۲۸ آذر تا ۲۰ دی ۱۲۹۹ / دسامبر ۱۹۲۰.
۳. پیشین، شماره ۸۰۸، یکشنبه ۱۲ دی ۱۲۹۹.
۴. ریچارد جی هوانسیان، پیشین، ص ۱۶۲-۱.
۵. کاوه بیات، *توفان برفراز قفقاز*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۱-۶.
۶. پیشین.
۷. *اسناد وزارت امور خارجه ایران*، پرونده شماره ۱۵-۴۵-۱۳۰۰ش، قسمت دوم، نامه شماره ۴۱۰، (بهمن ۱۳۰۰)
۸. پیشین.
۹. پیشین.
۱۰. پیشین، نامه شماره ۷۱۲، (۲۱ اسفند ۱۳۰۰ / ۱۰ مارس ۱۹۲۲).
۱۱. پیشین، پرونده شماره ۱۵-۴۵-۱۳۰۰ش، قسمت دوم، نامه شماره ۳۲۹۶.
۱۲. پیشین.
۱۳. پیشین، پرونده شماره ۱۰-۲-۱۳۰۰ش، نامه شماره ۱۰۱۲۸.
۱۴. پیشین، پرونده شماره ۱۵-۴۵-۱۳۰۰ش، قسمت دوم، نامه شماره ۳۱۲.
۱۵. پیشین، پرونده شماره ۴-۲۵-۱۳۰۰ش، نامه شماره ۶۸۶۳.
۱۶. پیشین، نامه مورخ ۵ عقرب / آبان ۱۳۰۱.
۱۷. پیشین، نامه شماره ۸۵۲.
۱۸. پیشین، نامه شماره ۱۱.
۱۹. کاوه بیات، پیشین، ص ۴۱۵.
۲۰. *اسناد وزارت امور خارجه ایران*، پرونده شماره ۵۴-۴۵-۱۳۰۰ش، نامه شماره ۱۲۸۱.
۲۱. پیشین، پرونده شماره ۵۴-۴۵-۱۳۰۰ش، نامه شماره ۴۶۶.

مقاله ● مهاجرت ارامنه دانشکسیون به ایران و تأثیر آن بر روابط ایران و شوروی / ۵۳

۲۲. پیشین، نامه مورخه ۱۸ اسد / مرداد ۱۳۰۲ / ۱۱ اوت ۱۹۲۳.

۲۳. پیشین، پرونده شماره ۸ - ۲۰-۱۳۰۳ ش، نامه شماره ۱۳۳۲.

۲۴. پیشین.

۲۵. پیشین.

۲۶. پیشین، نامه مورخه اول جوزا / ۱ خرداد ۱۳۰۳ / ۲۱ مه ۱۹۲۴.

۲۷. پیشین، پرونده شماره ۱۳۰۳-۲۵-۵۲ ش، نامه شماره ۶۲۰، ۲۵ جوزا / خرداد ۱۳۰۳ / ۱۵ ژوئن ۱۹۲۴.

۲۸. پیشین.

۲۹. پیشین.

۳۰. پیشین.

۳۱. پیشین.

۳۲. پیشین.

۳۳. پیشین، نامه شماره ۱۴۰۴۱، ۲۴ سنبله / شهریور ۱۳۰۳ / ۱۶ سپتامبر ۱۹۲۴

۳۴. پیشین.

۳۵. پیشین.

۳۶. پیشین.

۳۷. پیشین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی